

اخلاق تفسیر در جغرافیای معرفتی مطالعات قرآنی

سید هدایت جلیلی*
احد فرامرز قراملکی**
محمد‌هادی امین ناجی***
هاجرخاتون قدمی جویباری****

چکیده

«اخلاق تفسیر» یکی از شاخه‌های دانش اخلاق و متعلق اخلاق کاربردی است. مسئله پژوهش حاضر، ترسیم قلمرو معرفتی «اخلاق تفسیر» در «مطالعات قرآنی» است. اخلاق تفسیر به‌عنوان شاخه‌ای از اخلاق کاربردی، هویت میان‌رشته‌ای دارد. از طرفی به دانش اخلاق، به‌مثابه یک نظام معرفتی [رشته] متعلق است و از جهت دیگر، به گستره معرفتی تفسیر تعلق دارد. از آنجاکه این دانش نوظهور به اندازه کافی رشد نکرده است و تعیین معرفتی نیافته است، نشان‌دادن جایگاه و قلمرو معرفتی اخلاق تفسیر در دانش اخلاق و مطالعات قرآنی می‌تواند ما را در تبیین روش و جنس پژوهش و بایسته‌ها و الزامات روش‌شناختی و معرفت‌شناختی آن یاری کند. نتیجه پژوهش آن است که اخلاق تفسیر سه حوزه کنشی (عمل تفسیر)، فرایندی (فرایند تفسیر به‌مثابه پژوهش) و دانشی (گستره معرفتی علم تفسیر) را شامل می‌شود. نیز براساس ساحت‌های سه‌گانه مطالعات ناظر به فهم و تفسیر قرآن، اخلاق تفسیر در سه سطح پیشاتفسیر، فرایند تفسیر و پساتفسیر (فراورده تفسیر) قابل بررسی است.

واژگان کلیدی

اخلاق تفسیر، مطالعات قرآنی، تفسیر پژوهی، اخلاق پژوهش، اخلاق کاربردی.

drjalili@khu.ac.ir
ghmaleki@ut.ac.ir
mh_aminnaji@pnu.ac.ir
hjujbari.2006@gmail.com
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۲۰

*. استادیار دانشگاه خوارزمی.
**. استاد دانشکده الهیات دانشگاه تهران.
***. دانشیار دانشگاه پیام نور تهران.
****. دکترای علوم قرآن و حدیث دانشگاه پیام نور تهران.
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۲۷

طرح مسئله

اخلاق تفسیر^۱ قلمرو جدیدی است که به اعتباری از شاخه‌های اخلاق کاربردی^۲ و به اعتبار دیگر از شاخه‌های اخلاق توصیفی است. و بر این باور استوار است که ساحت تفسیر، افزون بر اینکه باید تحت قواعد دانش تفسیر باشد، می‌باید در چارچوب احکام و داورهای اخلاقی نیز قرار گیرد.^۳ اخلاق تفسیر، دو قلمرو معرفتی «اخلاق» و «تفسیر» را پیوند می‌دهد. اخلاق تفسیر، ساحت‌های مختلف تفسیر را از حیث اخلاقی مورد مطالعه قرار می‌دهد. بنابراین، اخلاق تفسیر از یک حیث، مطالعه اخلاق است و از دیگر حیث، مطالعه تفسیر است. اخلاق تفسیر هنوز چندان که باید، نه برای اهالی اخلاق پژوهی روشنی و وضوح لازم را دارد و نه برای اهالی تفسیر، شناخته شده است. هم می‌باید تأملات و مطالعاتی از جنس اخلاق تفسیر صورت پذیرد و هم به موازات آن، باید در باب چیستی و چرایی و چگونگی اخلاق تفسیر مباحث و گفتگوهای درگیرد.

اخلاق تفسیر آن گونه که باید و شاید در فرهنگ اسلامی نیز جدی گرفته نشده است؛ هرچند شماری از متفکران مسلمان دیدگاه‌های خود در این مورد را در ذیل تعبیرات «روش تفسیر» و «اصول تفسیر» بیان کرده‌اند. یا ذیل مطالبی هم‌چون آداب فهم و تفسیر قرآن نکات متعددی آمده است که به نحوی می‌تواند ناظر به اخلاق تفسیر باشند. گاهی اوقات برخی از مفسران در مقدمه یا متن تفسیر خود به نکاتی اشاره کرده‌اند که به اخلاق تفسیر مربوط است، یا قرآن‌شناسان در علوم قرآن درباره روش تفسیر و علوم و مقدماتی که مفسر از باب مقدمه به آن‌ها نیازمند است می‌پردازند. در واقع، از زمان آغاز تلاش‌های تفسیری مسلمانان و آن زمان که کوشیدند پیام خدا را آن گونه که هست، نه آن گونه که دوست دارند، دریابند، هسته اخلاق تفسیر جوانه زد و شکوفا شد، هرچند به نام‌های مختلف و در بخش‌های گوناگون. اما با این وجود، تحت عنوان مشخص «اخلاق تفسیر» تحقیق و کتاب مستقلی که منحصر ابعاد اخلاق تفسیر را به تفصیل و دقت بازگوید مشاهده نشده است. پژوهش‌هایی که هر کدام به صورت پراکنده به بخشی از مبحث اخلاق تفسیر پرداخته‌اند: ۱. سبحانی‌نیا، محمدتقی، راد، علی (۱۳۹۲ ش) «اخلاق تفسیر قرآن کریم». پژوهش‌های قرآن و حدیث. شماره یکم، بهار و تابستان؛ این مقاله تنها به مسئولیت‌های اخلاقی تفسیر پرداخته است که شامل تکالیف اخلاقی مفسر در رفتار ارتباطی او با خودش، متن، صاحب متن و مخاطب است. در این مقاله تعریف و تبیینی از اخلاق تفسیر دیده نمی‌شود، در صورتی که پیش از پرداختن به هر بحثی در ارتباط با اخلاق تفسیر، شایسته است تا مفهوم «اخلاق تفسیر» به درستی ایضاح و تبیین گردد؛ ۲. اقتراح‌ی با عنوان «اخلاق تفسیر» که در بردارنده پاسخ‌های اساتید و صاحب‌نظران به نام در حوزه فلسفه دین و فلسفه اخلاق که در نگارش‌های خود در تبیین مقوله‌های «اخلاق پژوهش»، «اخلاق کاربردی»، «اخلاق حرفه‌ای»، «اخلاق دین‌شناسی» و «اخلاق نقد» نقشی جدی و پررنگ داشته‌اند، (دکتر سیدحسن اسلامی، دکتر ابوالقاسم فنایی و دکتر احد فرامرز قراملکی)^۴ به پرسش‌های مربوط می‌باشد. این مقالات پرسش‌هایی را در باب اخلاق تفسیر طرح و بدان پاسخ داده شده است. پرسش‌هایی که در این اقتراح طرح گردیدند، پرسش‌های مفیدی است، اما پاسخ‌ها اجمالی است و هر کدام از این پرسش‌ها می‌تواند به عنوان مسئله‌ای پژوهشی طرح گردیده و بحث گردد.

۳. بخش پایانی کتاب نظریه تفسیر متن با عنوان «اخلاقیات معنا و الزامات تفسیری متن وحیانی» که اشاره‌ای کوتاه و گذرا به بحث اخلاق تفسیر دارد.^۵ از آن جا که موضوع این کتاب، نظریه تفسیر است، در بخش پایانی کتاب، به صورت اجمالی و گذرا مؤلف به

1. The ethics of interpretation.

2. Applied ethics.

۳. اخلاق کاربردی درحقیقت زیرمجموعه اخلاق هنجاری است؛ یعنی همان اخلاق هنجاری است، البته در حوزه خاصی از زندگی و به عبارت دیگر، کاربست مفاهیم اخلاقی در بخشی از زندگی است. درباره ماهیت اخلاق کاربردی نظریه واحدی ارائه نشده است. برخی تعریف‌ها ناظر به وظایف اخلاق کاربردی است و بعضی با توجه به محتوا روش‌های مورد استفاده انجام شده است. برای فهم دقیق‌تر اخلاق کاربردی ر.ک: Bauchamp, 2003; 2; Fiester, 2006; 1; Bayertz, 2003; 36-43.

۴. فنایی، ابوالقاسم. «اخلاق تفسیر». کتاب ماه دین. شماره ۸۸۴، بهمن ۱۳۹۱ ش.

اسلامی، سیدحسن. «اخلاق تفسیر». کتاب ماه دین. شماره ۱۸۶، فروردین ۱۳۹۲ ش.

فرامرز قراملکی، احد. «اخلاق تفسیر». فصلنامه نقد کتاب قرآن و حدیث. شماره ۲ و ۳، تابستان و پاییز ۱۳۹۴ ش.

این گفتگوها توسط دکتر سیدهدایت جلیلی؛ نگارنده مقاله حاضر صورت پذیرفته است.

۵. واعظی، احمد. (۱۳۹۲ ش). نظریه تفسیر متن. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

اخلاقیات معنا و ارتباط آن با نظریه‌های تفسیری پرداخته‌است. نویسنده این بحث را نه به تفصیل، بلکه بسیار اجمالی بیان کرده‌است. ما هنوز در آغاز راهیم و هیچ یک پژوهش‌ها چندان که باید بود و نمودی ندارد و آثار و تأملات اندکی که در این باب صورت گرفته، قوام و استواری لازم را ندارند و از این مهم‌تر، به لحاظ روش و جنس پژوهش و بایسته‌ها و الزامات روش‌شناختی و معرفت‌شناختی، حدود و ثغور تثبیت شده‌ای ندارند. اذعان باید کرد که در چنین وضعیتی، بحث در اخلاق تفسیر از گونه گام‌های آغازین است و گام اول، گام لرزان است؛ پس چنین بحثی در آغاز چندان سخته و پخته نخواهد بود. برای عبور از این وضعیت آغازین، باید معلوم کنیم این مقوله نوپدید و این مولود نوظهور در کجای نظام طبقه‌بندی مطالعات اخلاقی و مطالعات قرآنی قرار می‌گیرد. جایگاه اخلاق تفسیر در جغرافیای معرفتی مطالعات اخلاقی کجاست؟ و چه نسبتی با سایر مطالعات اخلاقی دارد؟ همین پرسش را نیز باید در سویه مطالعات قرآنی و تفسیری طرح کرد: جایگاه اخلاق تفسیر در جغرافیای معرفتی مطالعات قرآنی کجاست و چه نسبتی با سایر مطالعات قرآنی برقرار می‌کند؟ پاسخ به این دو پرسش، هم اخلاق تفسیر را در اذهان به خوبی جای‌گیر می‌کند، هم جنس این نوع از مطالعه را روشن می‌نماید، هم الزامات روشی و ابزاری آن را آشکار می‌کند و هم تقدم و تأخر اخلاق تفسیر را با ساحت‌های مختلف از مطالعات اخلاقی و قرآنی و به‌طور کلی نسبت اخلاق تفسیر را در دو قلمرو کلان مطالعات اخلاقی و مطالعات قرآنی روشن می‌کند؛

مقاله حاضر می‌کوشد مختصات قلمرو نوپدید اخلاق تفسیر را در جغرافیای مطالعات قرآنی ترسیم کند و بحث درباره اخلاق تفسیر در جغرافیای مطالعات اخلاقی را به فرصتی دیگر می‌سپارد. ابتدا به تحلیل و ایضاح مفهومی اخلاق تفسیر می‌پردازیم و جنبه‌ها و ساحت آن را بیان می‌کنیم. در گام بعد، درباره مطالعات قرآنی و جغرافیای معرفتی آن نکات ضروری و بایسته را طرح می‌کنیم و سر آخر نشان می‌دهیم مقوله نوپدید اخلاق تفسیر را در کجا یا کجا‌های جغرافیای مطالعات قرآنی باید نشانند.

اخلاق تفسیر متعلق اخلاق کاربردی^۱

اخلاق صرفاً به مجموعه اعتقادات ذهنی و باورها و ارزش‌دوری‌های انتزاعی محدود نمی‌شود. بلکه فراتر از آن‌ها، نحوه‌ای خاص از زندگی است. رفتارهای اخلاقی، درواقع شیوه‌ای معین از زیستن است. صرف توصیه افراد به خوب عمل کردن و اخلاق حسنه داشتن، آن‌ها را متخلق نمی‌کند. فرد باید چگونگی رعایت آن‌را نیز بداند. (Ball, Dadich, 20011: 57)

اخلاق کاربردی شاخه‌ای از اخلاق هنجاری است که به‌واسطه تمرکز ویژه بر موارد عینی و جزئی و تلاش برای بررسی و حل معضلات اخلاقی، از فرااخلاق و نظریه‌های هنجاری متمایز می‌گردد. نشان‌دادن چگونگی اعمال احکام اخلاقی و چگونگی انجام وظایف اخلاقی یا کاربردی کردن توصیه‌ها و ارزش‌های عام اخلاقی، یکی از کارکردهای مهم اخلاق کاربردی است. کارکرد دیگر اخلاق کاربردی این است که به‌جای ارائه نسخه‌های کلی و غیرقابل انجام و یا موضع‌گیری‌های مقطعی و متغیر، می‌کوشد شاخص‌ها و معیارهایی مشخص و راه‌گشا در اختیار افراد قرار دهد. کاربرد و تطبیق ارزش‌ها و ایده‌آل‌های اخلاقی در موارد خاص نیز از کارکردهای اخلاق کاربردی است. بنابراین اخلاق کاربردی را می‌توان ثمره عینی و عملی فرااخلاق و اخلاق هنجاری (نظری) دانست.

اخلاق کاربردی، موضوع‌محور نیست، بلکه مسئله‌محور است و به‌جای ارزش‌گذاری درباره همه مسائل مربوط به افعال اختیاری انسان یا صفات اکتسابی او، یا به‌جای حل همه مسائل اخلاقی ناظر به یک قلمرو خاص رفتاری، بر مسئله یا مسائل خاصی، که عموماً از سنخ مسائل نوپدید و چالشی اند، متمرکز می‌شود. درواقع، اخلاق کاربردی از حیطه‌های مسئله‌خیز اخلاقی است که گاه به شکل معضلات، دشواری‌ها و دوره‌های اخلاقی نمود می‌یابند. این علم می‌کوشد با تکیه بر مبانی و معیارهای ارزش‌دوری، به حل آن مسائل بپردازد. البته حل آن مسائل، خود می‌تواند الگویی برای تبیین سایر مسائل نیز باشد.

«اخلاق تفسیر» نیز متعلق و بخشی از «اخلاق کاربردی» است که به بررسی مسائل اخلاقی در حرفه و دانش «تفسیر» می‌پردازد. و از آن‌جا که اخلاق کاربردی کاربست نقادانه اخلاق هنجاری در موقعیت معین است، موقعیت معین در

1. Applied ethics.

«اخلاق تفسیر» حرفه تفسیر است. متخصص اخلاق تفسیر، علاوه بر آگاهی نسبت به برخی مباحث فرالاخلاق و اطلاع دقیق از قواعد و معیارهای ارزش‌دآوری اخلاقی، لازم است اطلاعاتی نسبتاً دقیق از حوزه و قلمرویی که می‌خواهد اخلاقیات آن را بیان کند، مثلاً تفسیر قرآن داشته باشد.

معنای تفسیر در «اخلاق تفسیر»

فرایند تفسیر هنگامی آغاز می‌شود که با گفتار، نوشتار، متن و ... یا به تعبیر عام‌تر «دال» و نشانه‌ای روبه‌رو می‌شویم که مقصود، معنا یا «مدلول» آن روشن نیست؛ به این معنا که ممکن است متن یا سخن ابهام، ابهام، اجمال، و یا حتی تناقض داشته باشد. در مواجهه با چنین متنی پای تفسیر به‌میان می‌آید. بدیهی است، به میزانی که متنی جدی‌تر و ژرف‌تر می‌شود، بیشتر نیازمند نوشتن مجدد یا تفسیر است. تفسیر به این معنا، یعنی تلاش در جهت گره‌گشایی از متن، و به تعبیر سنتی، نقاب از رخ متن برگرفتن. در ساحت تفسیرپژوهی مسلمانان، واژه «تفسیر» به‌واسطه چندوجهی‌بودنش در معانی مختلف به‌کار رفته است. این در حالی است که غالباً این معانی در هم می‌آمیزد؛ یعنی در گفتمان تفسیرپژوهی مسلمانان این تفکیک‌ها چنان‌که باید لحاظ نشده و کاریست واژه تفسیر در معانی گفته‌شده به‌درستی تمایز نمی‌یابد.

هر کنش تفسیری مبتنی بر گونه‌ای تلقی از «تفسیر» است و هیچ مفسری نمی‌تواند دست به کنش تفسیر بزند، بی آن‌که درکی پیشین از «تفسیر» داشته باشند. هم‌چنین، هرگونه تفسیرپژوهی نیز بر گونه‌ای تلقی از «تفسیر» استوار است. تفسیرپژوهان نمی‌توانند بدون تصور پیشینی از «تفسیر» پژوهش در «تفسیر» را سامان دهند. بنابراین، مطالعات تفسیری و مطالعات تفسیرپژوهانه و به تعبیر دیگر، مطالعات درجه اول و مطالعات درجه دوم بر تصور و درکی از «تفسیر» برپا می‌شوند. مطالعات میان‌رشته‌ای در حوزه تفسیر نیز، اعم از جامعه‌شناسی تفسیر، روان‌شناسی تفسیر، اخلاق تفسیر و ... نمی‌تواند فارغ از تصور و درکی پیشین از «تفسیر» سامان یابد. از این‌رو، می‌توان ادعا کرد که تصور و درک از «تفسیر» پایه و اساس هرگونه مطالعه در حوزه تفسیر است.

به‌طور مثال و مشخص وقتی قصد می‌کنیم در حوزه «اخلاق تفسیر» پژوهش کنیم یا در این‌باره سخن بگوییم یا مدعایی را طرح کنیم، بلافاصله ذهنیت منطقی، این پرسش را طرح می‌کند که: «اخلاق کدام تفسیر؟» کدام معنا و تلقی از تفسیر از ترکیب «اخلاق تفسیر» مدنظر قرار گرفته‌است؟

این‌جاست که به عدد معانی و تلقی‌ها و تصویری که از «تفسیر» وجود دارد، «اخلاق تفسیر»‌های متعدد شکل و معنا می‌یابد؛ از آن‌جا که تفسیر در زبان فارسی هم در معنای «فرایند تفسیر» هم در معنای «فرآورده تفسیر» به‌کار می‌رود. می‌توان از «اخلاق فرایند تفسیر» و «اخلاق فرآورده تفسیر» سخن گفت. هم‌چنین از آن‌جا که تفسیر هم در معنای علم تفسیر به‌کار می‌رود و هم به‌معنای کنش تفسیر؛ می‌توان از اخلاق علم تفسیر و اخلاق کنش تفسیر سخن گفت. حتی از این جزئی‌تر به تناسب این‌که چه درکی و معنایی از «فرایند تفسیر»، «فرآورده تفسیر»، از «علم تفسیر» و «کنش تفسیر» داریم، «اخلاق تفسیر» معنا و تلقی‌های متفاوت و متعددی خواهد داشت (قدمی جویباری و جلیلی، ۱۳۹۷: ۴۱)

اخلاق تفسیر، رویکردها و متعلق‌ها

اخلاق تفسیر «الزام» یا «توصیف» ارزش‌های اخلاقی در محیط تفسیر است. محیط تفسیر متن، فارغ از ملاحظات اخلاقی نیست و مفسر در فرایند تفسیر، با انتخاب‌ها و گزینه‌هایی روبه‌رو می‌گردد که تصمیم در باب آن‌ها، در کنار جنبه روش‌شناختی و اصول تفسیر، جنبه اخلاقی هم دارد. اخلاق تفسیر عهده‌دار تبیین الزامات اخلاقی در این تصمیم‌ها و انتخاب‌هاست و از سوی دیگر، توصیف‌کننده و داور اخلاقی انتخاب‌ها و تصمیم‌هایی است که مفسران در تفسیر متن صورت داده‌اند. از این‌رو می‌توان از دوگونه اخلاق تفسیر سخن گفت: یکی از منظر «توصیفی»^۱ و دیگری از منظر «توصیه‌گرانه»^۲ یا «هنجاری»^۳. اخلاق تفسیری هنجاری رویکردی

1. Descriptive.
2. Prescriptive.
3. Normative.

پیشینی دارد و هنجارها، بایسته‌های اخلاقی در ساحت تفسیر را بیان می‌کند و مفسر را به رعایت و کاربست آن توصیه می‌کند. این گونه از اخلاق تفسیر، با بیان و اشاعه ارزش‌های اخلاقی می‌کوشد محیط تفسیر به سمت و سوی اخلاقی‌تر شدن حرکت کند.^۱ اما اخلاق تفسیری توصیفی، رویکردی پسینی دارد و به توصیف و گزارش و تحلیل وضعیت اخلاق موجود در محیط تفسیر می‌پردازد.^۲ توصیف و گزارش از اخلاق موجود در محیط تفسیر می‌تواند در گام بعدی دست‌مایه دآوری و ارزش‌گذاری اخلاقی محیط تفسیر قرار گیرد و به آسیب‌شناسی اخلاقی محیط تفسیر یاری رساند. اخلاق تفسیر توصیفی، عبارت است از مجموعه اصول و ضوابطی که یک مفسر عملاً از آن‌ها پیروی می‌کند تا به تفسیر درست و معتبر دست یابد. در واقع اخلاق تفسیر به معنای توصیفی، «اخلاق تفسیر موجود» است که منطقی‌تأخر از تفسیر است. بنابراین، اخلاق تفسیر به معنای توصیفی جزو «معرفت درجه دوم» قرار می‌گیرد.

در اخلاق تفسیر توصیفی، با مراجعه به تفاسیری که از یک مفسر یا گروهی از مفسران وجود دارد، سعی داریم اصول، قواعد و ضوابطی که مفسر در امر تفسیر از آن پیروی کرده‌است را بیابیم. به این معنا، اخلاق تفسیر توصیفی، عبارت است از مجموعه اصول و ضوابطی که یک مفسر عملاً از آن‌ها پیروی می‌کند تا از مقدماتی که در دست دارد، به این نتیجه برسد که معنای سخن یا متن چنین و چنان است. پس، اخلاق تفسیر توصیفی، می‌تواند بخشی از تاریخ تفسیر باشد. در توصیف یک مفسر، یا جامعه مفسران در یک دوره خاص تاریخی پاره‌ای از توصیفاتی که مطرح می‌شود بیانگر اصول و ضوابط اخلاقی است که آن مفسر یا مفسران در کار خود از آن‌ها پیروی می‌کرده‌اند.

تا اینجا با تکیه بر ادبیات اخلاق‌شناسی و تبعیت از تقسیم‌بندی‌های آن، دو گونه اخلاق تفسیری توصیفی و تجویزی را از هم بازشناختیم. دوگانه اخلاق توصیفی و اخلاق تجویزی نزد اخلاق‌پژوهان امری مرسوم و معمول و پذیرفته است. اما در اضافه «اخلاق» به «تفسیر» نکاتی وجود دارد که شایسته تأمل و مذاقه است. در ترکیب اخلاق تفسیر، تفسیر متعلق اخلاق است. از این برای ایضاح مفهومی اخلاق تفسیر، به سویه تفسیر این تعبیر مرکب توجه کنیم.

قلمرو اخلاق تفسیر، تابع متعلق آن است. اگر بپذیریم که اخلاق تفسیر به جنبه‌های اخلاقی تفسیر می‌پردازد، پرسش این است که در تعبیر «اخلاق تفسیر»، تفسیر به کدام معناست؟

تفسیر در مکتوبات عربی و فارسی، گاه به «دانش تفسیر» اطلاق می‌شود (زرقانی، ۱۴۱۲: ۳۳۴؛ ذهبی، ۱۴۰۹: ۱ / ۱۵ و ۲۹) و گاه به «کنش تفسیر». (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۱؛ طبرسی، ۱۴۰۶: ۱ / ۳۹؛ زرکشی، ۱۹۵۷: ۱ / ۳۳) کنش تفسیر هم دو جنبه را دربر می‌گیرد: ۱. فرآیند تفسیر و ۲. فرآورده تفسیر. از این رو، در گام نخست، دو معنا برای «اخلاق تفسیر» متصور است: «اخلاق دانش تفسیر»؛ «اخلاق کنش تفسیر». و در ذیل اخلاق کنش تفسیر نیز، دو اخلاق تفسیر خواهیم داشت: اخلاق فرآیند تفسیر و اخلاق فرآورده تفسیر. بالمال، اخلاق تفسیر سه معنا دارد. توجه داشته باشیم این سه معنا، رقیب و بدیل هم نیستند؛ بلکه از سه قلمرو جداگانه از تفسیر و سه قلمرو جداگانه از اخلاق تفسیر حکایت دارند. ایضاح مفهومی واژه تفسیر در «اخلاق تفسیر»، سه اخلاق تفسیر را پیش روی ما نهاد. در این که هر کدام از این سه معنا از اخلاق تفسیر، چه میزان معنای محصل دارند و چقدر موجه‌اند و چه میزان تمایز و همپوشانی دارند، تفصیل و بیانی صورت نگرفته است. بر این باورم اگر تقسیم‌بندی معنایی تفسیر به درستی صورت گرفته باشد، تفکیک سه اخلاق تفسیر موجه خواهد بود. (قدمی جویباری و جلیلی، ۱۳۹۷: ۴۳)

با عنایت به آن چه گفته آمد، براساس یک تقسیم‌بندی، اخلاق تفسیر به دو قسم هنجاری و توصیفی تقسیم شد. براساس ایضاح مفهومی و متعلق، اخلاق تفسیر به سه قسم: اخلاق دانش تفسیر، اخلاق فرآیند تفسیر و اخلاق فرآورده تفسیر تقسیم شد. اکنون می‌توان دو تقسیم‌بندی فوق را پیوند داد؛ به این صورت که اخلاق فرآیند تفسیر، اخلاق تجویزی

۱. اخلاق هنجاری به صورت روشمند می‌کوشد تا اصول و قواعد کلی برای تعیین درست و نادرست یا خوب و بد تأسیس کند. (رک: نیگل، تامس، فرانکنا، ویلم؛ برنت، ریچارد؛ اسمیت، پاتریک ناول و ... ۱۳۹۲: ۸۳)

۲. اخلاق توصیفی به پژوهش اخلاقی‌ای گفته می‌شود که با کمک روش نقلی و تجربی به توصیف و گزارش اخلاقیان افراد، گروه‌ها و جوامع مختلف می‌پردازد. (مصباح یزدی، ۱۳۸۱: ۹)

است و اخلاق فرآورده تفسیر، اخلاق توصیفی است. تقسیم‌بندی نخست بر اساس رویکرد صورت پذیرفته است و تقسیم‌بندی دوم براساس متعلق در گام بعدی، می‌پردازیم به جغرافیای مطالعات قرآنی.

مطالعات قرآنی، جغرافیای معرفتی و ساحات آن

تعبیر «مطالعات قرآنی»، تعبیری نو است و به تازگی در ادبیات قرآن‌پژوهی ما باب شده است و چه بسا برگردان و وام‌کردی است از «QURANIC STUDIES» که امروزه در محافل دانشگاهی و آکادمیک غربی متداول است. با این حال، این تعبیر برای ما تعریف نشده است و چندان تحدید حدود و تعیین ثغور نشده است و در زبان فارسی اثری که به تبیین این مفهوم بپردازد یافت نمی‌شود. در مقابل این تعبیر، در ادبیات قرآن‌پژوهی ما، تعبیری که نزد همگان آشناست و کاربردی کهن و گسترده دارد، تعبیر «علوم قرآن» است. پژوهشیان قرآن از دیرباز و سده‌های گذشته تاکنون، این تعبیر را به کار بسته‌اند. این تعبیر در گذر سده‌ها دچار تحول معنایی و کاربردی شده است و در این تحولات معنایی، گاه توسعه معنایی و گاه تضییق معنایی و حتی تغییر معنایی شده است. از این‌رو، امروزه، به هیچ‌رو محدوده معنایی و مصداقی روشن و مورد اجماع نداشته است؛ از اختلاف بر سر اینکه «علوم قرآن درست است یا علوم قرآنی؟» گرفته تا تحلیل معنایی ترکیب «علوم قرآن»؛ از اختلاف بر سر تعریف علوم قرآن / علوم قرآنی گرفته تا دامنه و دایره مباحث آن؛ (نک: صالحی کرمانی، ۱۳۶۹: ۱۸؛ حکیم، ۱۴۲۵: ۲۰؛ ساجدی، ۱۳۸۳: ۲۲؛ سعیدی روشن، ۱۳۷۷: ۱۷ - ۱۶؛ غزالی، ۱۳۶۰: ۱۷ - ۱۶) از اختلاف بر سر علم بودن علوم قرآن گرفته تا ابهام در مرزهای آن با سایر حوزه‌های معرفتی همسایگان؛ و... تا جایی که حتی هنوز اتفاق نظری نیست که مقولاتی چون «تفسیر» و یا «تاریخ قرآن» در ذیل علوم قرآن قرار می‌گیرند یا در عرض آن؟^۱ از این‌رو، تکیه بر اصطلاح علوم قرآن در این بحث، ما را درگیر عوارض ابهامات آن می‌کند. براساس دیدگاه غالب پژوهشیان مسلمان، علوم قرآن، مباحثی مقدم و مقدمه‌ای بر تفسیر تلقی می‌شود. (فتح‌اللهی، ۱۳۸۸: ۶۵) از این‌رو، تفسیر نمی‌تواند در ذیل جغرافیای معرفتی علوم قرآن قرار گیرد. با فرض این دیدگاه، اساساً سخن در باب جایگاه اخلاق تفسیر در جغرافیای معرفتی علوم قرآن، معنا و نتیجه محصلی در پی نخواهد داشت. از این‌رو، باید دنبال تعبیر عام‌تر و گسترده‌دامن‌تری رفت. تعبیر «مطالعات قرآنی» عنوان عام و گسترده‌ای است و هرگونه پژوهش و مطالعه در باب قرآن را می‌تواند دربر بگیرد؛ از جمله مطالعات ناظر به تفسیر را. با عنایت به این امر، مبنای بحث خود را همان تعبیر «مطالعات قرآنی» قرار می‌دهیم.

مطالعات قرآنی، از حیث موضوع و متعلق آن، موضوعش قرآن یا وجهی از وجوه آن است و از حیث نوع و جنس مطالعه، شامل همه گونه‌های مطالعات، اعم از مطالعات زبان‌شناختی، معناشناختی، تاریخی، تفسیری، بینامتنی، مقایسه‌ای، جامعه‌شناختی و ... است و از حیث سطح مطالعه نیز، هر دو نوع مطالعه درجه اول^۲ و مطالعه درجه دوم^۳ را دربر می‌گیرد. مطالعات قرآنی، یا ناظر به اعتبار و وثاقت متن قرآنی است؛ یا با فهم و تفسیر قرآن سر و کار دارد؛ یا به بررسی حق و باطل یا درستی و نادرستی گزاره‌های آن می‌پردازد؛ و یا به اثرپذیری آن از جهان زیست‌پیشاقرآن یا اثرگذاری آن بر جهان زیست‌پساقرآن می‌پردازد.^۴ تقسیم و تبیین مطالعات قرآنی در این چهار قسم به حصر عقلی یا استقراء تام نیست. با عنایت به تقسیم‌بندی فوق، مطالعات ناظر به فهم و تفسیر قرآن، بخشی از کلان مطالعات قرآنی است. با این حال، خود این بخش، قلمرو گسترده و درازدامنی است و سطوح و لایه‌های معرفتی مختلفی را دربر می‌گیرد. از حیث معرفت‌شناختی، مطالعات ناظر به فهم و تفسیر قرآن سه ساحت متمایز دارد. مطالعات ناظر به فهم و تفسیر قرآن را می‌توان

۱. درباره ابهامات و اختلافات در باب علوم قرآن به‌عنوان نمونه، بنگرید به: فتح‌اللهی، ابراهیم، ۱۳۸۸، *متلوزی علوم قرآنی*، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام، سراسر کتاب؛ باقری، علی اوسط، ۱۳۸۷، «علوم قرآن؛ چیستی، چرایی و چگونگی»، *قرآن شناخت*، ش ۱؛ شاکر، محمدکاظم، ۱۳۸۷، *علوم قرآنی*، قم، دانشگاه قم، ص ۳۵ - ۲۲؛ سعیدی روشن، محمدباقر، ۱۳۸۸، *علوم قرآن*، قم، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ص ۳۹ - ۱۹.

2. First order.

3. Second order.

۴. مقایسه کنید با تقسیم‌بندی فتح‌اللهی از علوم قرآن: «الف) علمی که مستقیماً به حوزه فهم و تفسیر قرآن مربوط می‌شوند؛ ب) علمی که به حوزه ضبط و نقد متن مربوط می‌شوند؛ ج) علمی که به اوصاف و حالات و رده‌بندی قرآن مربوط می‌شوند؛ د) مباحثی که ناظر به شناخت ماهیت قرآن است.» (فتح‌اللهی، ۱۳۸۸: ۶۵)

از حیث نسبتی که با مقوله «تفسیر» دارد، به سه ساحت و قلمرو تقسیم کرد: ۱. مطالعات پیشاتفسیری؛ ۲. تفسیر؛ ۳. مطالعات پساتفسیری.^۱ مطالعات پیشاتفسیری آن دسته از مطالعاتی هستند که داده‌های مفید و مؤثر بر فرایند تفسیر را تدارک می‌کنند و مفسران با تکیه بر آن‌ها به ساحت تفسیر گام می‌نهند. تفسیر عبارت است از آن‌چه که مفسر در تعامل با متن و در مقام فهم مدلول آن فراچنگ آورده و پیش می‌نهد. مطالعات پساتفسیری، آن دسته از مطالعاتی هستند که این فرآورده‌های حاصل از تفسیر را مورد مطالعه و تبیین قرار می‌دهند. (جلیلی، ۱۳۹۰: ۱۷)

اخلاق تفسیر در جغرافیای مطالعات قرآنی

با توجه به آنچه گفته شد، در گام آخر به تبیین جایگاه اخلاق تفسیر در جغرافیای مطالعات قرآنی می‌پردازیم؛ با عنایت به مباحث بیان شده، نشان می‌دهیم پاسخ به پرسش از جایگاه اخلاق تفسیر در جغرافیای مطالعات قرآنی نیازمند تفصیل است. چندین اخلاق تفسیر متصور است که باید جایگاه هر کدام را در قلمرو مطالعات قرآنی معین و مشخص کنیم و درباره نوع مطالعه آن به بحث بپردازیم.

۱. اخلاق تفسیر گرچه نوعی اخلاق پژوهی است. در عین حال، بخشی از کلان مطالعات قرآنی است و به‌طور خاص، در ذیل مطالعات ناظر به فهم و تفسیر قرآن است. روشن است این سخن به این معنا نیست که سه بخش دیگر مطالعات قرآنی، از شمول احکام و اوصاف اخلاقی خارج هستند. بلکه سه بخش مذکور از شمول احکام و اوصاف اخلاق تفسیر خارجند و بالطبع، مشمول احکام و اوصاف اخلاق پژوهش خواهند بود.

۲. اخلاق تفسیر نه فقط بر ساحت تفسیر، بلکه بر هر سه ساحت مطالعات ناظر به فهم و تفسیر قرآن حاکم است و هر سه ساحت مذکور مشمول اوصاف و احکام اخلاقی اخلاق تفسیر خواهند بود:

یکم - اخلاق تفسیری که ناظر به ساحت «پیشاتفسیر» است، همان «اخلاق دانش تفسیر» است که رویکردی «تجویزی» و «هنجاری» دارد و متعلق آن، «دانش تفسیر» است. برخی از صاحب‌نظران که در باب اخلاق تفسیر سخن گفته‌اند، ممکن است مرادشان این اخلاق تفسیر باشد. آن‌ها بر این باورند که هر مفسر برای کشف و فهم معنای متن و پیش از آن نیاز به داده‌هایی دارد که همان اصول و قواعد تفسیراند که مفسر برای فهم متن، خود را بدان‌ها ملتزم می‌داند.^۲ و یا چنین می‌اندیشند که اصول و قواعد تفسیر جزو هنجارهای منطقی، معرفت‌شناسانه، زبان‌شناسانه، هرمنوتیکی به حساب می‌آیند که به فهم صحیح و معتبر کمک می‌کند، اما متناظر با هر هنجار معرفت‌شناسانه یک هنجار اخلاقی نیز وجود دارد که هم توجیهی اخلاقی برای پیروی از آن هنجار معرفت‌شناسانه در اختیار قرار می‌دهد و هم پشتوانه روان‌شناسانه / انگیزشی برای پیروی از آن هنجار (قواعد و منطق تفسیر) در روح و روان مفسر تولید می‌کند. (فتاوی، ۱۳۹۱: ۲)

آنان نیز بر این باورند که اخلاق تفسیر نامی است برای مجموعه‌ای از هنجارهای اخلاقی که بیانگر فضایل و ردایب و حقوق و وظایف مفسران در مقام تفسیر است که متناظر با هنجارهایی چون اصول و قواعد تفسیری است. به این معنا، اخلاق تفسیر عبارت است از مجموعه اصول و ضوابط اخلاقی که یک مفسر علاوه بر اصول و قواعد معرفت‌شناسانه عملاً از آن‌ها پیروی می‌کند تا از مواد خام و مقدماتی که در دست دارد به این نتیجه برسد که معنای سخن یا متن مورد بحث چنین و چنان است.

بنابراین، اخلاق تفسیر در سطح پیشاتفسیر؛ اخلاق تفسیر به معنای هنجاری است. و اخلاق تفسیر به معنای هنجاری،

۱. مقایسه کنید با تقسیم‌بندی پاکتچی: «الف) سطح مقدماتی: علومی هستند که قبل از پرداختن به فهم قرآن، شخصی که می‌خواهد وارد تفسیر قرآن شود باید آن مقدمات را طی کند؛ ب) سطح اصلی: منظور از سطح اصلی در این حیطه خود تفسیر است (علم تفسیر) همچنین در حوزه فهم می‌توان به کار کسانی مثل ثعلبی و واحدی اشاره کرد که بدون درگیر شدن به تفسیر سعی کرده‌اند از طریق مطالعه روی تفاسیر مختلف کتاب‌های الجمع بین التفاسیر بنویسند. همچنین تفسیرهایی که صرفاً جنبه روایی دارند، چون مفسر دریافتی از قرآن ندارند در این سطح قرار می‌گیرند؛ ج) مطالعات درجه دوم: در این سطح می‌توان به نگارش‌های کتاب‌هایی تحت عنوان اصول التفسیر که مستقیماً به تفسیر قرآن نمی‌پردازند اشاره کرد. این کتاب‌ها به عنوان ابزاری در اختیار مفسر قرار می‌گیرد و مطالعه درجه دوم درباره مفسر محسوب می‌شود. مطالعات قرآنی در این حیطه با بسیاری از علوم دیگر مربوط می‌شوند و می‌تواند در ارتباط باشد. (پاکتچی، ۱۳۸۴: ۴۳)

۲. مجموعه هنجارهای معرفت‌شناسانه و اخلاقی، در این جا، می‌تواند به دو گونه باشد: الف) هنجارهای اخلاقی معیار در تفسیر که ناظر به بایسته‌های عام اخلاقی در تفسیر متن است و ناظر به نظریه تفسیری خاصی نیست؛ ب) هنجارهای معرفت‌شناسانه و اخلاقی خاص نظریه‌ها و روش‌های تفسیری مختلف. (ر.ک: واعظی، ۱۳۹۲، نظریه تفسیر متن، تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ج ۲)

کاربست انتقادی اصول و ضوابط هنجاری در تفسیر است که بیانگر فضایل و ردایل یا حقوق و وظایفی است که یک مفسر در مقام تفسیر باید از آن‌ها پیروی کند. چنین اخلاقی منطقاً مقدم بر تفسیر است، زیرا شأن آن این است که راهنمای عمل مفسر در مقام تفسیر باشد و به او بگوید که در وضعیت‌های متنوعی که در مقام تفسیر متن در آن قرار می‌گیرد، چه باید کرد؟ و چه نباید کرد؟ طبیعتاً یک مفسر پیش از پرداختن به تفسیر به چنین اصول اخلاقی در کنار اصول و قواعد دیگر نیاز دارد، زیرا بناست این اصول او را در فرایند تفسیر راهنمایی کنند.

دوم - اخلاق تفسیری که ناظر به ساحت «تفسیر» است، همان «اخلاق فرایند تفسیر» است که رویکردی «تجویزی» دارد و متعلق آن، «فرایند تفسیر» است.

اخلاق تفسیر در سطح تفسیر، با مفروض گرفتن اصول و قواعد معرفت‌شناسانه و اخلاقی مفسر به بررسی باید‌ها و نباید‌های یک مفسر در فهم متن می‌پردازد. در واقع در این سطح از تفسیر چگونگی التزام یک مفسر بر هنجارهای اخلاقی در تفسیر مورد بررسی قرار می‌گیرد. اخلاق تفسیر در سطح پیشین (پیشاتفسیر) ناظر به مرحله پیش از تفسیر است و اخلاق تفسیر در این مرحله (تفسیر) ناظر به کاربرد اصول و قواعد معرفت‌شناسانه و اخلاقی پذیرفته شده در تفسیر است. در واقع در این بخش مشخص می‌شود که مفسری که قواعد و اصول هنجاری پیشاتفسیری را پذیرفته، تا چه میزان در فرایند تفسیر به آن پایبند بوده است. به دیگر سخن، اخلاق تفسیر در سطح تفسیر، به معنای سنجش میزان التزام و تعهد مفسر به اصول و قواعد معرفت‌شناسانه و اخلاقی است.

سوم - اخلاق تفسیری که ناظر به ساحت «پساتفسیر» است، همان «اخلاق فرآورده تفسیر» است که رویکردی «توصیفی» دارد و متعلق آن، «فرآورده تفسیر» و به تعبیر دیگر، تفاسیر موجود و به‌طور کلی میراث تفسیری است.

اخلاق ناظر به فرآورده تفسیر، به معنای اخلاق تفسیر توصیفی، یا «اخلاق تفسیر» موجود است. این اخلاق منطقاً متأخر از تفسیر است، یعنی نسبت آن با تفسیر نسبت «فلسفه علم^۱ توصیفی» با خود «علم» است. اول باید تفسیری وجود داشته باشد و لباس تحقق پوشیده باشد تا با مطالعه آن بتوان اخلاق تفسیر حاکم بر آن را کشف و صورت‌بندی کرد. اخلاق تفسیر در سطح پساتفسیر به معنای کشف نمودن اصول و قواعد تفسیری مفسران در تفاسیر آن‌ها است. اخلاق تفسیر توصیفی، بخشی از تاریخ تفسیر یا تفسیرشناسی یا انسان‌شناسی یا مردم‌شناسی / جامعه‌شناسی است. در توصیف یک مفسر یا جامعه مفسران در یک دوره خاص تاریخی پاره‌ای از توصیفاتی که مطرح می‌شود بیانگر اصول و ضوابط اخلاقی‌ای است که آن مفسر یا مفسران در کار خود از آنها پیروی می‌کرده‌اند. اخلاق تفسیر به معنای توصیفی می‌تواند نسبی باشد و از فرهنگی به فرهنگی یا حتی از مفسری به مفسری فرق کند، و عملاً نیز چنین است. (نک: فنایی، ۱۳۹۱: ۱۱ - ۴)

درواقع، اخلاق تفسیر تجویزی، کاربرد انتقادی اخلاق هنجاری در تفسیر است. کاربرد انتقادی اخلاق هنجاری در تفسیر نیازمند دانش (معرفت به هنجارهای اخلاقی) و مهارت است. مطالعه این که مفسری در عمل از چنین دانش هنجاری بهره‌مند بوده است یا نه، یا در کاربرد هنجارهای اخلاقی دارای مهارت بوده است، مطالعه پسینی است که اخلاق تفسیر توصیفی به آن می‌پردازد.

کشف اخلاق تفسیر در تفاسیر دیگران، محصول نگاه درجه دوم به تفسیر و روش / اخلاق تفسیر است. وقتی با نگاه درجه دوم به تفسیر دیگری می‌نگریم، می‌توانیم آن اصول و ضوابط را کشف و صورت‌بندی کنیم. بنابراین، اخلاق تفسیر در سطح پساتفسیر، به توصیف اخلاقیات مفسران در تفسیرهایشان و گزارش آن می‌پردازد. به این معنا می‌توان برای مثال از اخلاق تفسیر طباطبایی، اخلاق تفسیر طبرسی و ... سخن گفت.

اخلاق تفسیر در ذیل مطالعات ناظر به فهم و تفسیر قرآن - که زیرمجموعه مطالعات قرآنی است - قرار می‌گیرد و در هر سه ساحت و قلمرو آن حضور دارد و تابع اقتضائات و الزامات ساحت‌های مربوطه است؛ هم در پیشاتفسیر می‌توان سخن اخلاقی و ملاحظات اخلاقی داشت؛ هم در کنش تفسیر - که فرایندی است که حاصل آن، فرآورده‌ای تفسیری است - می‌توان از اخلاق سخن گفت؛ هم فرآورده تفسیری را می‌توان به توصیف اخلاقی نشست. از حیث سطوح معرفتی نیز می‌توان گفت که اخلاق دانش تفسیر و اخلاق فرایند تفسیر، هر دو معرفت درجه اول هستند، اما اخلاق ناظر به فرآورده تفسیر، معرفت درجه دوم است.

۱. فلسفه علم شاخه‌ای از فلسفه است که در کار رسیدگی به مسائل اساسی و بنیادین «شناخت»‌های بشری و بررسی چپستی و چونی علم و علوم می‌پردازد.

نتیجه

۱. اخلاق تفسیر، دو قلمرو «اخلاق» و «تفسیر» را پیوند می‌دهد. اخلاق تفسیر، ساحت‌های مختلف تفسیر را از حیث اخلاقی مورد مطالعه قرار می‌دهد. بنابراین، اخلاق تفسیر از یک حیث، مطالعه اخلاق است و از دیگر حیث، مطالعه تفسیر است.
۲. براساس ساحت‌های علم اخلاق، می‌توان از دو گونه اخلاق تفسیر سخن گفت: ۱. اخلاق تفسیری که جنبه هنجاری و تجویزی دارد؛ ۲. اخلاق تفسیری که جنبه توصیفی دارد. اخلاق تفسیری هنجاری رویکردی پیشینی دارد و هنجارها، بایسته‌های اخلاقی در ساحت تفسیر را بیان می‌کند و مفسر را به رعایت و کاربری آن توصیه می‌کند. اخلاق تفسیری توصیفی، رویکردی پسینی دارد و به توصیف و گزارش و تحلیل وضعیت اخلاق موجود در محیط تفسیر می‌پردازد.
۳. در ساحت تفسیر پژوهی مسلمانان، واژه تفسیر به واسطه چندوجهی بودنش، در معانی مختلف به کار رفته است: تفسیر به مثابه علم تفسیر و تفسیر به مثابه کنش تفسیر. و در تفسیر به مثابه کنش تفسیر، دو سطح فرایند تفسیر و فرآورده تفسیر قابل تصور است. به تبع این تقسیم‌بندی، وقتی از اخلاق تفسیر سخن می‌گوییم، باید روشن کنیم کدام معنا از تفسیر را در تعبیر اخلاق تفسیر اراده کرده‌ایم و بنابر سطح‌های مختلف می‌توانیم اخلاق تفسیرهای گوناگون داشته باشیم.
۴. اخلاق تفسیر گرچه نوعی اخلاق پژوهی است. در عین حال، بخشی از کلان مطالعات قرآنی است و به طور خاص، در ذیل مطالعات ناظر به فهم و تفسیر قرآن است.
۵. مطالعات قرآنی در معنای عام و گسترده‌اش از حیث نسبت خود با مقوله تفسیر به سه دسته پیشاتفسیر، تفسیر و پساتفسیر قابل بررسی است، اخلاق تفسیر را نیز می‌توان در سه سطح پیشاتفسیر، تفسیر و پساتفسیر تبیین نمود؛ الف) پیشاتفسیر، ناظر به اخلاق تفسیر به معنای هنجاری است؛ ب) اخلاق تفسیر در مرحله تفسیر (فرایند تفسیر)، ناظر به کاربری اصول و قواعد اخلاقی پذیرفته شده در تفسیر است؛ ج) پساتفسیر (فرآورده تفسیر)، ناظر به اخلاق توصیفی است. بنابراین، اخلاق تفسیر نه فقط بر ساحت تفسیر، بلکه بر هر سه ساحت مطالعات ناظر به فهم و تفسیر قرآن حاکم است و هر سه ساحت مذکور مشمول اوصاف و احکام اخلاقی اخلاق تفسیر خواهند بود.

منابع و مأخذ

۱. باقری، علی اوسط، ۱۳۸۷، «علوم قرآن؛ چیستی، چرایی و چگونگی»، قرآن شناخت، ش ۱.
۲. پاکچی، احمد، ۱۳۸۴، سمینار «جایگاه علوم قرآن در بین علوم»، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۳. جلیلی، سید هدایت، ۱۳۹۰، پژوهش در تفسیر پژوهی قرآن، تهران، سخن.
۴. حکیم، محمدباقر، ۱۴۲۵ ق، علوم القرآن، ج ۴، قم، مجمع العالمی لاهل البیت.
۵. ذهبی، محمدحسین، ۱۴۰۹ ق، التفسیر و المفسرون، ج ۱، قاهره، مکتبه وهبه.
۶. زرقانی، عبدالعظیم، ۱۴۱۲ ق، مناهل العرفان فی علوم القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۷. الزرکشی، بدرالدین، ۱۹۵۷ م، البرهان فی علوم القرآن، ج ۱، بیروت، دار احیاء الکتب العربیة.
۸. ساجدی، ابوالفضل، ۱۳۸۳، زبان دین و قرآن، قم، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۹. سعیدی روشن، محمدباقر، ۱۳۸۸، علوم قرآن، قم، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۰. شاکر، محمد کاظم، ۱۳۸۷، علوم قرآنی، قم، دانشگاه قم.
۱۱. صالحی کرمانی، محمدرضا، ۱۳۶۹، درآمدی بر علوم قرآنی، تهران، جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.
۱۲. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۶۳ ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۳. طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن، ۱۴۰۶ ق، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۴. غزالی، ابوحامد محمد، ۱۳۶۰، جواهر القرآن، ترجمه سید حسین خدیو جم، تهران، بنیاد علوم اسلامی.
۱۵. فتح‌اللهی، ابراهیم، ۱۳۸۸، متدلوژی علوم قرآنی، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۱۶. فانی، ابوالقاسم، ۱۳۹۱، «اخلاق تفسیر»، کتاب ماه دین، ش ۱۸۴.

۱۷. قدمی جویباری، هاجر خاتون و سید هدایت جلیلی، ۱۳۹۷، «سنجش کارآمدی تعریف تفسیر پژوهان مسلمان از پدیده تفسیر»، *مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی*، ش ۲.
۱۸. مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۸۱، *فلسفه اخلاق*، تحقیق و نگارش احمد حسین شریفی، تهران، نشر بین‌الملل.
۱۹. نیگل، تامس، فرانکنا، ویلم و دیگران، ۱۳۹۶، *دانشنامه فلسفه اخلاق*، مقدمه، ترجمه و تدوین ماشالله رحمتی، ویراسته مصطفی ملکیان، چ ۲. تهران، نشر سوفیا.
۲۰. واعظی، ۱۳۹۲، *نظریه تفسیر متن*، تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چ ۲.
21. Beauchamp Tom L., 2003, "The Nature of applied Ethics", *A Companion to applied Ethics*, R. G. (Raymond Gillespie) Frey, Christopher Heath Wellman, (New York, oxford).
22. Bayertz K. 2002, "Self- enlightenment of Applied Ethics", *Applied Ethics, critical Concepts in Philosophy*, eds. Chadwick R., Schroeder D., (London) and Ney York, Routledge,) vol. 1
23. Fieser J., 2006, *Applied Ethics*, The Internet Encyclopedia of Philosophy.

